



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۵ اسفند ۱۳۹۰
مصادف با: ۱۲ ربیع الثانی ۱۴۳۳
جلسه: ۲۵

موضوع کلی: اعجاز قرآن
موضوع جزئی: شبهه دوم پیرامون اعجاز قرآن
سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در وجوه اعجاز قرآن است که باید مطالبی را درباره وجوه اعجاز قرآن مطرح کنیم ولی قبل از طرح این موضوع در رابطه با اصل اعجاز قرآن عرض کردیم دو شبهه مطرح است که یک شبهه را در جلسه گذشته اشاره کردیم و امروز به شبهه دوم اشاره می‌کنیم.

شبهه دوم:

شبهه دیگری که در رابطه با اصل اعجاز قرآن مطرح است مسئله پیچیدگی اعجاز قرآن است؛ به این معنی که اعجاز قرآن برای همه قابل درک و فهم نیست در حالی که معجزه باید به گونه‌ای باشد که همه مردم اعجاز آن را درک کنند؛ چون هدف از اعجاز، صدق ادعای نبوت و در عین حال هدایت همه مردم به سمت نور و روشنایی است، پس اگر قرار است همه مردم هدایت شوند باید همه آنها اعجاز قرآن را درک کنند در حالی که فقط عده کمی هستند که به اعجاز قرآن بی‌می‌برند. مسئله شناخت فصاحت و بلاغت قرآن چیزی نیست که همه آن را درک کنند. غیر از فصاحت و بلاغت معارفی که در قرآن وجود دارد عده زیادی از مردم مواردی از قبیل اخلاقیات، اعتقادیات، قصص، اخبار از غیب و آینده را که در قرآن آمده نمی‌توانند درک کنند لذا چگونه قرآن می‌تواند برای همه بشر الی یوم القیامة معجزه باشد. معجزه بودن یک امر باید به گونه‌ای باشد که همه در مقابل آن خاضع باشند و اظهار عجز و ناتوانی بکنند ولی در مورد قرآن این گونه نیست؛ چون خیلی از معارف قرآنی برای اکثر مردم قابل فهم نیست.

پاسخ شبهه دوم:

پاسخی که می‌توان به این شبهه داد این است که در مسئله معجزه لازم نیست همه مردم اعجاز آن را درک کنند و آنچه که در معجزه معتبر است این است که اعجاز نزد مردم ثابت شود و بپذیرند مدعی نبوت کار خارق عادت و فوق طبیعت انجام داده تا شکی برای آنها باقی نماند. معجزه اصولاً امری خارق از توان بشر است و به طور کلی درک معجزه به سادگی امکان پذیر نیست و ماهیت معجزه به گونه‌ای است که اگر امر خارق عادت را ببینند و حس کنند؛ یعنی افرادی که در وقت تحقق معجزه حضور دارند معجزه را ببینند آن را می‌پذیرند اما کسانی که هنگام تحقق معجزه حضور ندارند تنها راه برای آنها این است که معجزه به تواتر برای آنها نقل شود و آنها به حدوث آن معجزه یقین پیدا کنند. پس برای غیر حاضرین در زمان حدوث معجزه تنها راه، اثبات تحقق آن معجزه است. فرض کنید در زمان پیامبر(ص) به دست مبارک ایشان مسئله انشقاق قمر اتفاق افتاده و

خیلی از مردم در زمان حدوث این معجزه حضور نداشته‌اند تا آن را ببینند ولی وقتی این اتفاق به تواتر برای دیگران نقل شد همه مردم آن را پذیرفتند؛ چون تواتر موجب یقین است و وقتی تعداد زیادی از مردم خبری را نقل کنند که امکان توافق آنها بر کذب نباشد به تحقق آن خبر یقین پیدا می‌کنند. وقتی موضوع معجزه به تواتر برای دیگران نقل شود به تحقق آن یقین پیدا می‌کنند پس آنچه که در باب معجزه مهم است اثبات تحقق آن معجزه است، این امر در رابطه با قرآن محقق شده؛ یعنی مسلماً قرآن در محیطی نازل شده که فصاحت و بلاغت در اوج بوده و قرآن مطالبی را گفته که در آن زمان یک شخص اُمّی نمی‌توانسته این مطالب را بگوید و کسی در آن زمان نتوانسته اتیان به مثل قرآن بکند، این مسئله کاملاً روشن بود و همه از آوردن مثل قرآن اظهار عجز کردند و این مطلب به تواتر ثابت شده که در آن زمان دیگران از آوردن مثل قرآن عاجز ماندند و نسبت به مردمی که در آن زمان در اوج فصاحت و بلاغت بودند کتابی نازل شد که فوق توانایی‌های عادی آن روز بشر در جزیره العرب بود و البته توسط کسی هم صورت گرفت که هیچ معلمی ندیده بود و به مکتب هم نرفته بود. پس همین قدر که ثابت شود چنین چیزی در آن زمان اتفاق افتاده کفایت می‌کند.

اشکال:

ممکن است اشکالی به ذهن بیاید و آن اینکه صرف ثابت شدن اینکه دیگران از آوردن مثل قرآن عاجز بوده‌اند و پیامبری که آن را آورده اُمّی و درس نخوانده بوده برای معجزه بودن قرآن کافی نیست؛ چون فرض این است که اعجاز قرآن جاودانه است؛ یعنی باید اعجاز در همه زمان‌ها وجود داشته باشد و اعجاز قرآن در همه زمان‌ها به این است که در همه زمان‌ها این اعجاز برای مردم ثابت شود و آن را درک کنند و خود را در مقابل آن ناتوان ببینند و این امر در زمان حاضر مقدور نیست؛ زیرا اعجاز قرآن در زمان حاضر برای خیلی از خواص هم قابل درک نیست چه رسد به اینکه برای عوام قابل درک باشد. اینکه گفته می‌شود قرآن معجزه است چه چیزی وجود دارد که دال بر این اعجاز باشد و آنچه که گفته شده صرفاً اعجاز را در زمان پیامبر(ص) ثابت می‌کند و بعد معجزه بودن قرآن در آن زمان به تواتر برای ما ثابت شده و ما هم قبول داریم که مردم آن زمان که در اوج فصاحت و بلاغت بودند خود را در مقابل قرآن ناتوان دیدند اما مسئله جاودانه بودن اعجاز قرآن این سؤال را ایجاد می‌کند که چگونه ممکن است قرآنی که به عنوان معجزه جاودانه جهت صدق ادعای نبوت پیامبر(ص) آورده شده برای مردم زمان‌های متأخر الی یوم القیامة هم بتواند معجزه باشد در حالی که درک اعجاز توسط مردم این زمان مشکل است.

پاسخ:

در پاسخ به این اشکال می‌گوییم در همین زمان هم اگر چه همه مردم اهل فصاحت و بلاغت نیستند تا خودشان اعجاز قرآن را درک کنند لکن همین که فصحاء و بلغاء و آشنایان به لغت عرب در این زمان در مقابل قرآن اظهار عجز کنند و عجز آنها به تواتر برای ما ثابت شود برای اعجاز قرآن کفایت می‌کند. پس جوابی که ما به اشکال فوق می‌دهیم این است که برای

اثبات اعجاز قرآن، درک اعجاز برای همه مردم ضرورتی ندارد و آنچه که مهم است اصل تحقق اعجاز است و اینکه این مسئله به تواتر برای ما ثابت شود تا موجب یقین ما به اعجاز باشد و این مسئله برای همه قابل تحقق است.

وجوه اعجاز قرآن:

بعد از بحث‌هایی که پیرامون اصل اعجاز قرآن صورت گرفت و دو شبهه‌ای که مطرح شد و پاسخ آنها گذشت به بحث از وجوه اعجاز قرآن می‌رسیم. حال باید ببینیم اعجاز قرآن در چه ابعادی تجلی پیدا می‌کند.

یکی از وجوه اعجاز قرآن این است که در قرآن اختلاف و تعارض و تناقض وجود ندارد. خداوند متعال در آیه شریفه: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»^۱، در این آیه به شکل قیاس استثنایی بر عدم وجود اختلاف در قرآن استدلال شده؛ به این بیان که:

مقدمه اول: اگر قرآن از ناحیه غیر خداوند متعال بود اختلاف کثیری در آن یافت می‌شد.

مقدمه دوم: در قرآن اختلاف کثیر وجود ندارد.

نتیجه: قرآن از ناحیه غیر خداوند متعال نیست.

این استدلال دو مقدمه دارد که مقدمه اول ملازمه بین مقدم و تالی و مقدمه دوم بطلان تالی را ثابت می‌کند.

حال ما باید این دو مقدمه را ثابت کنیم تا معلوم شود آیا در قرآن اختلاف وجود دارد یا نه و اگر هم در قرآن اختلاف وجود ندارد چگونه این امر دلیل بر اعجاز است. مقدمه دوم که می‌گوید در قرآن اختلاف وجود ندارد امری واضح و روشن است. درست است که مطالب متکثر و متعدد اعم از قصص، معارف، اخلاق و احکام وارد شده اما بین اجزاء قرآن تعارضی وجود ندارد. قرآن کتابی است که در طی حدود ۲۳ سال نازل شده است، کتابی که در موضوعات مختلف و در طی ۲۳ سال نازل شده با این همه مطالب متنوع و عالی ولی در آن اختلاف و تعارض به چشم نمی‌خورد. اگر یک شخص عادی بخواهد کتابی با این همه تنوع و با موضوعات مختلف تألیف کند قطعاً موارد اختلافی زیادی می‌توان در آن پیدا کرد؛ چون اگر بخواهد درباره یک موضوع و در یک زمان کوتاه بنویسد امکان اختلاف در آن کمتر است ولی اگر موضوعات مختلف و متنوع باشد و در مدت زمانی طولانی هم نوشته شود خالی از اختلاف و تعارض نخواهد بود. پس ادعا شده مقدمه دوم امری واضح و روشن است اما در عین حال در رابطه با این مقدمه شبهاتی هم مطرح است که باید ذکر و بررسی شود تا معلوم شود آیا واقعاً در قرآن اختلاف و تعارض وجود دارد یا نه که انشاء الله این شبهات را در جلسه آینده ذکر خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»